
سیاست خارجی دولت اصلاحات؛

موفقیت‌ها و شکست‌ها

بیژن اسدی

سرشناسه: اسدی، بیژن، ۱۳۲۶
عنوان و نام پدیدآور: سیاست خارجی دولت اصلاحات؛
موفقیت‌ها و شکست‌ها / بیژن اسدی
مشخصات نشر: تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران،
انتشارات باز، چاپ اول، ۱۳۸۷
مشخصات ظاهری، ۳۳۳
فروست: مرکز بازشناسی اسلام و ایران (باز): شماره نشر
۱۳۴
شابک: ۱-۲۴-۸۴۱۸-۹۶۴
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
یادداشت، کتابنامه: ص ۳۲۱-۳۱۷: همچنین به صورت
زیرنویس
موضوع: اصلاحات اجتماعی - ایران، ۱۳۸۴-۱۳۷۶
موضوع: ایران - روابط خارجی، ۱۳۸۴-۱۳۷۶
موضوع: ایران - سیاست و حکومت، ۱۳۸۴-۱۳۷۶
شناسه افزوده: مرکز بازشناسی اسلام و ایران
رده بندی کنگره: ۱۳۸۷ ۹ س ۱۵ الف / ۱۶۵۰ DSR
رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴
شماره کتابشناسی ملی: ۱۳۰۶۳۳۲



مرکز پژوهش‌های اسلام‌داریان

سیاست خارجی دولت
اصلاحات: موفقیت‌ها و شکست‌ها

بیژن اسدی

شمارگان: ۱۴۰۰

نوبت چاپ: اول، ۱۳۸۷

شماره نشر: ۱۳۴

قیمت: ۶۵۰۰ تومان

ناشر: انتشارات باز

شابک: ۹۶۴-۸۴۱۸-۲۴-۱

تهران: فلسطین شمالی،

ساختمان ۲۵۵، طبقه دوم،

کد پستی ۱۴۱۶۷-۵۳۴۹۶

تلفن: ۸۸۸۹۸۹۴۹، ۸۸۸۹۵۳۸۶

دورنگار: ۸۸۸۹۸۹۴۸

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

۹ → مقدمه

۱۷ → فصل اول: ساختارهای سیاست خارجی ج.ا.ا.

۱۷ → الف) ساختارها و نهادهای پایه‌ای سیاست خارجی

۱۷ → ۱- ساختار عقیدتی - اسلامی (انقلابی)

۲۲ → ۲- ساختار قانونی (شکل تقسیم رسمی قدرت)

۲۶ → ۳- نقش نهادهای رسمی و گروه‌های ذی نفوذ و فشار

۲۹ → ب) مفهوم منافع و امنیت ملی ایران در سیاست خارجی

۳۳ → ج) جهت‌گیری‌های سیاست خارجی ایران

۴۹ → فصل دوم: عوامل تأثیرگذار در روابط ایران و کشورهای...

۴۹ → الف) عوامل منفی تأثیرگذار

۴۹ → ۱- تمایز نژادی عرب و عجم

۵۲ → ۲- اختلاف شیعه و سنی

۵۵ → ۳- تجربه‌های بد تاریخی

۵۸ → ۴- اختلافات ارضی و مرزی

۶۳ → ۵- سیاست خارجی انقلابی - اسلامی ایران (تعارض نظام‌های سیاسی)

۶۷ → ۶- اختلاف سطح روندهای دموکراتیک

۷۰ → ۷- سیاست عدم تعهد در برابر سیاست‌های غرب‌گرایانه

۷۳ → ۸- منابع و سیاست‌های انرژی

۷۶ → ۹- نظام‌های امنیتی منطقه

۱۰- عوامل جغرافیایی، ژئوپولیتیک و نظامی → ۸۰
ب) عوامل مثبت تأثیرگذار → ۸۲
۱- اسلام: عامل اتحاد و همبستگی → ۸۲
۲- سابقه همکاری‌های سیاسی - امنیتی → ۸۶
۳- سیاست ایران در قبال بحران دوم خلیج فارس → ۸۷
فصل سوم: دو دهه سیاست خارجی جمهوری ... → ۸۹
الف) سیاست خارجی دهه اول انقلاب: دوران ... → ۸۹
صدور انقلاب و ارزش‌های آن → ۹۴
تشدید فشارهای نظامی و سیاسی بر ایران → ۱۰۰
ب) سیاست خارجی دهه دوم انقلاب: دوران ... → ۱۰۷
ضرورت بازسازی جنگی و نیازهای اقتصادی → ۱۰۸
عمل‌گرایی، واقع‌گرایی یا میانه‌روی؟ → ۱۱۵
دوران ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی: جمهوری → ۱۲۰
بازسازی نظامی و افزایش توان دفاعی ایران → ۱۲۴
تنش‌زدایی و توسعه روابط سیاسی → ۱۳۰
حمله عراق به کویت و سیاست خارجی ایران → ۱۳۷
اثرات بحران خلیج فارس بر موقعیت و سیاست ... → ۱۴۱
فصل چهارم: اصول نظری سیاست خارجی ... → ۱۴۷
الف) سیاست تنش‌زدایی هاشمی → ۱۴۷
ویژگی‌ها و ابعاد سیاست تنش‌زدایی هاشمی → ۱۵۱
ب) سیاست تنش‌زدایی و اعتمادسازی خاتمی → ۱۵۲
مفهوم و سابقه تاریخی → ۱۵۳
ویژگی‌ها و ابعاد سیاست تنش‌زدایی خاتمی → ۱۵۴
دو برداشت مفهومی از تنش‌زدایی: تفاوت‌ها → ۱۵۹
ج) طرح گفتگوی تمدن‌ها در برابر نظریه ... → ۱۶۱
نظریه برخورد تمدن‌های هانتینگتون → ۱۶۳
برخورد تمدن‌ها و سیاست خارجی آمریکا → ۱۶۸

۱۷۱ → طرح گفتگوی تمدن‌های خاتمی

۱۷۸ → طرح ائتلاف جهانی برای صلح

۱۸۱ → جهانی شدن و گفتگوی تمدن‌ها

۱۸۷ → وجوه تشابه و اختلاف

۱۸۹ → فصل پنجم: عملکرد سیاست‌های خاتمی در خلیج فارس

۱۹۲ → الف) اجلاس سران سازمان کنفرانس اسلامی تهران

۱۹۸ → ب) توسعه مناسبات منطقه‌ای ایران: بررسی‌های موردی

۲۰۰ → ایران و عربستان: بازگشت به گذشته

۲۰۶ → ایران و کشورهای دیگر منطقه

۲۱۳ → مسئله جزایر سه گانه

۲۱۶ → ج) جمع‌بندی سیاست منطقه‌ای خاتمی

۲۲۳ → فصل ششم: ایران و آمریکا در دوران خاتمی

۲۲۶ → الف) مناسبات ایران و آمریکا: چراغ قرمزها و چراغ سبزها

۲۳۱ → انتخاب خاتمی و عکس‌العمل‌های آمریکا

۲۳۵ → چراغ سبزها و نرمش‌های آمریکا

۲۴۴ → ب) ایران و آمریکا در دوران جورج بوش (پسر)

۲۴۸ → خاتمی و دوران پس از ۱۱ سپتامبر

۲۵۱ → ایران و «محور شیطانی» (محور شرارت)

۲۵۵ → تحرک جدید اصلاح‌طلبان: مذاکره با آمریکا

۲۶۰ → ج) ایران و آمریکا پس از بحران عراق

۲۶۵ → تشدید فشارهای سیاسی-روانی آمریکا

۲۷۰ → ج.ا.ا. و شرایط جدید نظام بین‌الملل

۲۷۵ → آخرین مواضع ایران: بدون شرح

۲۷۷ → فصل هفتم: ایران و امنیت خلیج فارس

۲۷۷ → الف) ترتیبات امنیتی خلیج فارس

۲۷۸ → ۱- بیانیه دمشق و طرح امنیتی ۲+۶: نظام عربی

۲۸۰ → ۲- نظام امنیتی تک‌قطبی: نظام آمریکایی

۳-نظام امنیتی دست جمعی: نظام عربی - ایرانی → ۲۸۹

ب) خاتمی و همکاری های امنیتی ایران و ... → ۲۹۴

ج) مولع همکاری های دفاعی - امنیتی ایران و ... → ۳۰۱

فصل هشتم: یافته های پژوهش و ... → ۳۱۱

ضمایه → ۳۲۱

منابع → ۳۲۵

مقدمه

پس از واژگونی نظام سلطنتی پهلوی به عنوان یک نظام سیاسی میانه‌رو و طرفدار غرب در منطقه، و پیرو آن پیروزی انقلاب اسلامی و شکل‌گیری «جمهوری اسلامی ایران» به عنوان یک نظام انقلابی - اسلامی، توازن قدرت و نظام منطقه‌ای خلیج فارس تغییر یافت. این رخداد نه فقط در ایران، بلکه در سطح منطقه خلیج فارس و خاورمیانه نیز منشاء تغییر و تحولات سیاسی - اجتماعی عمده‌ای شد. بویژه، پس از اعلام یک رشته شعارهای انقلابی - اسلامی علیه ابرقدرت‌ها، قدرت‌های بزرگ سلطه‌گر، و نیز کشورهای میانه‌رو و طرفدار غرب خاورمیانه، حساسیت و بدبینی و احساس عدم اعتماد شدید کشورهای عرب خلیج فارس را نسبت به جمهوری اسلامی ایران برانگیخت. چراکه ظهور مجدد یک قدرت اسلامی (پس از فروپاشی و تجزیه امپراتوری عثمانی در سال ۱۹۱۸) در منطقه‌ای حساس و استراتژیک و با دیدگاه‌های عقیدتی - انقلابی و ضمناً قطب‌گرای «اسلامی» در برابر قطب‌های غرب و شرق، زنگ خطر را برای آنان به صدا درآورد.

از سوی دیگر، اسلام به شکلی جدی و قاطع و به عنوان یک مکتب و ایدئولوژی قدرتمند و پرمایه در برابر مکتب‌ها و اصول اعتقادی جاری در منطقه نظیر روندهای ناسیونالیستی عربی (نظیر بعثیسم، ناصریسم و پان‌عربیسم)، سوسیالیسم، کمونیسم و سکولاریسم (اعتقاد به جدایی دین از سیاست) قد برافراشت و به چالش و رقابت با آنها پرداخت. پیروزی انقلاب ایران توازن قدرت و ترتیب امنیت منطقه‌ای را به هم زد و در کیفیت روابط دو ابرقدرت در خلیج فارس تغییراتی ایجاد کرد. انقلاب ایران به عنوان پرچمدار یک نهضت احیاگر اصول و اعتقادات اسلامی در اواخر قرن بیستم و در چالش با روندهای سکولاریستی در خاورمیانه، نمونه و الهام‌بخش ظهور یا گسترش بسیاری از گروه‌های اسلامی شیعه و سنی مذهب در کشورهای خلیج فارس و خاورمیانه شد. تا آنجا که باعث نگرانی خاطر و وحشت رهبران میانه‌رو و حتی رادیکال کشورها نسبت به بی‌ثباتی و دوام

پایه‌های حکومت خود شد. بویژه، شروع جنگ ایران و عراق و پیامدها و تحولات ناشی از آن، حساسیت‌های مذکور را دوچندان کرد. همین ویژگی‌ها و روندهای حاکم و جاری در ماهیت سیاست خارجی ج.ا.ا. باعث شد که کیفیت مناسبات سیاسی و امنیتی ایران با کشورهای خلیج فارس از بدو انقلاب تا پایان جنگ ایران و عراق با تنش‌ها، درگیری‌ها، و مشکلات فراوان روبرو باشد.

سیاست خارجی ایران پس از پایان جنگ و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ با توجه به شرایط ویژه داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی با تحولاتی آشکار روبرو شد. این تحولات از شروع دوران حکومت حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی شکل گرفت. چنان که غربی‌ها آن را شروع یک دوران «میان‌روی» و تحلیل‌گران داخلی از آن به عنوان «عمل‌گرایی» (پراگماتیسم) در سیاست خارجی ایران نام بردند. البته قابل تذکر است که یک رشته عوامل داخلی و خارجی در اتخاذ این سیاست میان‌روی و تعدیل تأثیرگذار بودند. ضمناً، قابل تأمل است که ایران در دهه دوم انقلاب با عنایت بیشتر به رعایت و توجه به منافع و امنیت ملی کشور و در عین حال روند تحولات سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، و پرهیز از دخالت در امور داخلی و تحریک دیگران، به شکل عملی و بدون اغلام رسمی، سیاست تنش‌زدایی و حسن همجواری با همسایگان را در پیش گرفته بود.

رئی، سیاست خارجی ایران پس از انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ با تحولی اساسی در گفتمان سیاسی و سیاست خارجی خود روبرو شد. به این ترتیب که مشروعیت اثباتی، جایگزین مشروعیت سلبی یعنی دوری گزیدن از دشمن‌تراشی و طرح شعارهای پرخاشگرانه، تهاجمی و تحریک‌کننده گردید. در چنین شرایطی، راهبرد اصلی سیاست خارجی دولت آقای خاتمی بر اساس «تنش‌زدایی» با کشورهای خارجی و «اعتمادسازی» در برخورد با آنان تعیین شد، که در واقع نشانه آگاهی و اشراف وی به وجود دو مشکل اصلی در روابط خارجی ایران بود:

۱) روابط ایران با دنیای خارج دچار تنش و بی‌ثباتی است که ادامه این امر به زیان منافع و امنیت ملی کشور تمام خواهد شد.

۲) حداقل مسئولیت بخشی از این تنش و بی‌ثباتی بر عهده دیپلماسی ایران است که باید اصلاح و رفع شود.

در زمینه سیاست خارجی نیز، ایشان ضمن توجه تام به اصول «عزت»،

«حکمت» و «مصلحت»؛ سیاست‌های «تنش‌زدایی»، «اعتمادسازی»، «گفتگوی تمدن‌ها»، و بهبود و گسترش روابط سیاسی و اقتصادی ایران با کشورهای جهان و بویژه منطقه خاورمیانه را مدنظر قرار داد. خاتمی برنامه اصلاحات و مردم‌سالاری در داخل، و صلح در خارج را دنبال می‌کرد.

نقطه عطف روند سیاست خارجی در حال تحول و دگرگونی ایران، عبارت از اعلام طرح «گفتگوی تمدن‌ها» بود که پس از مطرح شدن به شدت مورد استقبال کشورهای جهان و مجامع علمی و فرهنگی بین‌المللی قرار گرفت. چرا که خاتمی با مطرح کردن طرح گفتگوی تمدن‌ها به عنوان جایگزینی برای گفتمان واقع‌گرایانه «برخورد تمدن‌ها»ی ساموئل هانتینگتون امریکایی از دیدگاه قدرت، عملاً تحولی کاملاً جدید در سیاست خارجی ایران و جایگاه آن در نظام منطقه‌ای و بین‌المللی ایجاد کرد. پس از آن نیز، پیشنهاد اعلام سال ۲۰۰۱ میلادی به عنوان «سال گفتگوی تمدن‌ها» از سوی خاتمی به شدت مورد استقبال کشورهای جهان و مجامع علمی و فرهنگی بین‌المللی و بالاخره تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرار گرفت.

خاتمی با ردّ اندیشه برخورد تمدن‌ها، از اصل گفتگو میان مذاهب، فرهنگ‌ها و ملت‌ها حمایت می‌کند. او به وابستگی متقابل جوامع، فرهنگ‌ها و اقتصادها اعتقاد دارد و طرفدار نوعی «سیاست خارجی خلاق و باثبات است».^۱ به اعتقاد وی، این سیاست خارجی باید بر پرهیز از اعمال خشونت و برقراری مناسبات دوستانه با همه کشورها تا زمانی که آنها هم «استقلال» ایران را به رسمیت بشناسند، و هم در قبال آن «سیاست‌های تجاوزکارانه» را دنبال نکنند، شکل گیرد.

اعلام سیاست «تنش‌زدایی» و «اعتمادسازی» و طرح متعالی «گفتگوی تمدن‌ها» به طور نظری بیانگر این امر بود که ایران علی‌رغم تبلیغات سوء برخی منابع غربی، صرفاً به دنبال ایجاد تنش و درگیری با کشورهای همجوار و جهان خارج نیست. به شکل عملی و عینی نیز خاتمی روابط و مناسبات سیاسی و اقتصادی ایران را با

1. Milton P. Buttington (ed.), Meet Mr. Khatami: The Fifth President of the Islamic Republic, translated by Minoo R. Buttington (Washington, D. C. Middle East Insight, 1997), p. 17.

کشورهای خلیج فارس و خاورمیانه - به عنوان یک استراتژی اصلی و جدید سیاست خارجی ایران - بهبود و توسعه بخشید. بنابراین، اعمال سیاست خارجی جدید و متحول ایران در منطقه از سال ۱۳۷۶ (۱۹۹۷) به بعد را می‌توانیم به نوعی شروع یک دوران نوین از ثبات و آرامش و تفاهم در خلیج فارس (و نیز خاورمیانه) ناشی از روابط دوستانه و متحول ایران با کشورهای منطقه بدانیم.

از دیدگاه آقای خاتمی «سیاست تنش‌زدایی در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی مطلقاً یک سیاست تاکتیکی نیست، بلکه یک راهبرد [استراتژی] است و ما معتقدیم که صلاح ما، و صلاح منطقه [خلیج فارس و خاورمیانه] و جهان در تثبیت و گسترش سیاست تنش‌زدایی می‌باشد». به این ترتیب، تلاش در جهت کاهش تنشج در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی، تقویت انسجام و وحدت میان کشورهای اسلامی و غیرمتعهد از جمله اولویت‌های سیاست خارجی ایران بر مبنای تنش‌زدایی در دوران حکومت آقای خاتمی بوده است. بویژه، در سطح بین‌المللی ارائه طرح «گفتگوی تمدن‌ها» به عنوان یک گفتمان کاملاً جدید، پویا و متعالی در برابر نظریه بدبینانه و جهت‌دار «برخورد تمدن‌ها»ی ساموئل هانتینگتون امریکایی؛ زمینه بسیار مناسبی را برای مطرح شدن نگرش جدید سیاست خارجی ایران و کاهش تضادها و توهم‌های موجود نسبت به ایران فراهم کرد.

برخلاف روند روابط ایران با کشورهای خلیج فارس، کیفیت روابط ایران با آمریکا و حرکت به سوی بهبود آن در خلال سال‌های حکومت آقای خاتمی با پیچ و خم‌ها و مسائل و مشکلات زیادی روبرو بوده است. دلیل این امر را باید در سابقه سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا و بویژه دخالت‌های آن کشور در امور داخلی ایران، قبل و پس از سال‌های انقلاب جستجو کرد. بویژه، از نظر تاریخی نقش مؤثر آمریکا (در کنار انگلیس) در تدارک کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سرنگونی حکومت مدنی و ملی دکتر مصدق هنوز در اذهان مردم ایران زنده است. به اضافه اینکه، سیاست‌های جانبدارانه افراطی آمریکا در قبال رژیم صهیونیستی در روند «مسئله فلسطین» تصویری منفی در نگرش و برداشت‌های روحانیون و مذهب‌یون رهبری سیاسی ایران ایجاد کرده است.

ایران و آمریکا از ابتدای انقلاب تاکنون علاوه بر قطع روابط سیاسی‌شان، مسائل و مشکلات زیادی با یکدیگر داشته‌اند. رابطه بسیار نزدیک و بعضاً دخالت‌های

زیاد آمریکا در روند سیاست‌های داخلی و خارجی ایران، و بویژه موضع‌گیری ایران در رابطه با مسئله اعراب و رژیم صهیونیستی و روابط نزدیک ایران و این رژیم در دوران شاه، از جمله تجربه‌های سیاسی است که از دیدگاه بخش اعظم رهبران و مسئولان روحانی و مذهبی ج.ا.ا. با دیدگاه‌هایی اسلامی - انقلابی حالتی ناخوشایند و غیرقابل قبول دارد. بسیاری از تحولات و تحولات ضدانقلاب اسلامی نیز به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم با سیاست‌های منطقه‌ای آمریکا پیوند خورده و بدبینی‌های عمیقی را در ذهن رهبران ج.ا.ا. ایجاد کرده است.

حاصل سیاست‌های فوق، ایجاد یک سوءظن و بدبینی شدید در ذهن رهبران ج.ا.ا. و بعضاً مردم ایران نسبت به عملکردهای سیاست منطقه‌ای آمریکا بوده است. ضمناً، نباید نقش بسیار مؤثر گروه‌های ذی نفوذ و فشار داخلی و دخالت‌های گسترده آنان را در روند روابط ایران و آمریکا فراموش کرد! به همین جهت، روابط و مناسبات سیاسی دو کشور در سال‌های پس از انقلاب با فراز و نشیب‌های زیادی روبرو بوده است، که نویسنده تلاش کرده است با ارائه تحلیل‌ها و مستندات لازم، به شکلی بی‌طرفانه آنها را به تصویر بکشد.

با توجه به شرح بالا، ما در این پژوهش به دنبال پی‌جویی این امر هستیم که چه رابطه‌ای میان طرح و اجرای سیاست‌های تنش‌زدایی، اعتمادسازی، و برنامه گفتگوی تمدن‌های حجت‌الاسلام خاتمی با کیفیت مناسبات سیاسی - امنیتی ایران با کشورهای خلیج فارس و نیز روابط ایران و آمریکا در دو دوره ریاست جمهوری ایشان وجود داشته است؟

با توجه به عنوان و هدف‌های این پژوهش، پرسش‌های اساسی زیر مطرح است:
سؤال اصلی: با توجه به نگرش جدید سیاست خارجی متحول و پویای ایران در دوران حکومت حجت‌الاسلام خاتمی، چه تغییر و تحولاتی در کیفیت روابط خارجی این کشور با کشورهای منطقه خلیج فارس و نیز آمریکا ایجاد شده است؟
سؤال فرعی ۱: سابقه و ویژگی‌های سیاست تنش‌زدایی و اعتمادسازی ج.ا.ا. ایران چیست و چه نقش و تأثیری در سیاست خارجی منطقه‌ای و بین‌المللی این کشور داشته است؟

سؤال فرعی ۲: طرح گفتگوی تمدن‌ها چه نقش و تأثیری در رفع سوءتعبیرها و بدبینی‌های کشورهای خلیج فارس و آمریکا نسبت به ج.ا.ا. و سیاست‌های آن، و نیز

زمینه‌سازی بهبود، توسعه و تحکیم روابط متقابل داشته است؟

سؤال فرعی ۳: با توجه به شرایط موجود منطقه، و کیفیت رابطه ایران و امریکا، چه ترتیب امنیتی مناسبی می‌تواند در خلیج فارس شکل بگیرد، و ایران چه نقشی در آن خواهد داشت؟ رابطه این ترتیب امنیتی با کیفیت مناسبات سیاسی ایران با کشورهای منطقه و امریکا چه میزان است و چرا؟

سؤال فرعی ۴: با توجه به شرایط سیاسی و امنیتی حاضر در منطقه - و بویژه پس از بحران در عراق - آیا حضور نیروهای خارجی در خلیج فارس توجیه و ضرورتی خواهد داشت؟

سؤال فرعی ۵: در یک مقایسه تطبیقی، سیاست خارجی خاتمی در بهبود مناسباتش با کشورهای خلیج فارس موفق‌تر بوده یا امریکا، و چرا؟
مفروض‌های پژوهش عبارتند از:

مفروض ۱: ایران در زمان شاه مناسبات سیاسی - اقتصادی و همکاری‌های امنیتی مطلوبی با کشورهای مهم جنوب خلیج فارس داشته است. ضمناً کیفیت عملکرد و موضعگیری بی‌طرفی ایران در خلال بحران دوم خلیج فارس در جلب اعتماد بیشتر کشورهای منطقه به ایران و در نتیجه بهبود و توسعه مناسبات تیره و سرد سال‌های جنگ ایران و عراق نقش مؤثری داشته است. این گونه سوابق و تجربه‌های عینی زمینه‌های مناسبی را در راه دگرگونی اساسی در کیفیت روابط سیاسی - امنیتی ایران با کشورهای منطقه، و بویژه پس از به قدرت رسیدن خاتمی و اعلام برنامه‌ها و نگرش جدید سیاست خارجی وی فراهم کرده است.

مفروض ۲: سابقه تاریخی دخالت‌های امریکا در امور داخلی ایران و بویژه رخداد ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سرنگونی حکومت ملی و مردمی دکتر مصدق، رابطه نزدیک امریکا با شاه و حمایت همه جانبه از حکومت وی، سیاست خارجی امریکا در خاورمیانه و نقش منفی آن کشور در روند مسئله اعراب و رژیم صهیونیستی، و بویژه حمایت بی‌چون و چرا از این رژیم، و بالاخره نقش امریکا در تحرکات ضدانقلاب اسلامی ایران در سال‌های بعد از انقلاب؛ سوءظن و بدبینی‌های عمیقی را در اذهان مردم ایران و بویژه رهبران روحانی و مذهبیون رادیکال ج.ا.ا. ایجاد کرده است.

بر اساس سؤال‌ها و مفروض‌های طرح شده در بالا، فرضیه‌های اصلی و فرعی

مورد نظر در این پژوهش به شرح زیر هستند:

فرضیه اصلی: نگرش جدید و متحول سیاست خارجی ایران در دوران حکومت آقای خاتمی با جلب اعتماد و اطمینان کشورهای منطقه، نقش مؤثری در بهبود و توسعهٔ مناسبات سیاسی-اقتصادی فیما بین داشته است.

فرضیهٔ فرعی ۱: با توجه به بهبود و توسعه روابط سیاسی ایران با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، زمینهٔ مناسبی برای پیش‌بینی و اجرای یک ترتیب جدید امنیت منطقه‌ای با مشارکت فعال ایران فراهم شده است.

فرضیهٔ فرعی ۲: ساختار بنیادی سیاسی-ایدئولوژیک کشور، نحوه تقسیم رسمی قدرت و مسئولیت، و عملکرد نهادهای رسمی و غیررسمی و نیز گروه‌های ذی‌نفوذ و فشار در صحنهٔ سیاست‌های داخلی و خارجی ج.ا.ا، به‌طور کلی باعث عدم کارایی لازم و تحقق مطلوب طرح‌ها و برنامه‌های سیاست خارجی خاتمی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی و بویژه در روابط با امریکا شده است.

فرضیهٔ فرعی ۳: ذهنیت منفی و سوءظن و بدبینی شدید رهبران روحانی ج.ا.ا، نسبت به سیاست‌های ایرانی و خاورمیانه‌ای امریکا، تاکنون باعث عدم بهبودی و ایجاد رابطهٔ ایران و امریکا شده است.

توجه خوانندگان محترم را به این نکته مهم جلب می‌کنم که مطالب این کتاب حاصل حدود دو سال کار پژوهشی است که در سال ۱۳۸۲ - و دو سال باقی‌مانده دوران دوم ریاست جمهوری آقای خاتمی - به پایان رسیده است. ولی متأسفانه چاپ و انتشار عمومی آن بنا به دلایلی با یک تأخیر زمانی تقریباً پنج ساله (تا زمستان ۱۳۸۷) روبرو شد.

در یک بازنگری کلی در مقدمه و متن اصلی، بعضاً زمان فعل‌ها و برخی عبارات‌ها تا حد امکان بازنگری و تصحیح شده است؛ ولی به هر حال، اساس و ساختار این گزارش پژوهشی و کاربرد برخی فعل‌ها، عبارات‌ها، پیش‌بینی‌ها و تحلیل‌ها طبعاً بر مبنای وجود شرایط و اطلاعات موجود در زمان انجام این پژوهش (۱۳۸۰-۱۳۸۲) شکل گرفته است.

نویسنده امیدوار است که پژوهش‌نامه حاضر - در قالب یک کتاب - بتواند به بخشی از سؤالات و نیازهای پژوهشی اساتید علوم سیاسی و روابط بین‌الملل،

کارشناسان و تحلیل‌گران مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی، پژوهشگران و دانشجویان علوم سیاسی و خوانندگان ارجمند در زمینه برخی عملکردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پاسخ‌های مناسب را ارائه دهد. انشاءالله.

بیژن اسدی

زمستان ۱۳۸۷